احترام

آیا برای بزرگ کردن شاه باید شهروند را کوچک کرد؟



دکتر پیمان بخشایش

MD, PhD, MBA

احترام

آیا برای بزرگ کردن شاه باید شهروند را کوچک کرد؟

دکتر پیمان بخشایش | ۲ آذر ۱۴۰۵ · ۲۳ نوامبر ۲۰۲۶

رأی همسایه‌ام

با یک پرسش از خودم شروع می‌کنم. من که برای آیندهٔ ایران پادشاهی مشروطه می‌خواهم، اگر فردا هم‌وطنم کنار من بایستد و بگوید «من به جمهوری رأی می‌دهم»، برای رأی او چه ارزشی قائلم؟ حاضرم همان‌قدر که برای شنیده شدن صدای خودم پافشاری می‌کنم، از حق او هم دفاع کنم؟ جواب من به این پرسش دربارهٔ آیندهٔ پادشاهی در ایران بیشتر از صد بار «جاوید شاه» گفتن به شما خبر می‌دهد.

احترام در فارسی بار چند معنی را به دوش می‌کشد. برای معلمی که خوب درس می‌دهد احترام قائلم. شاگرد حق دارد در داوری من شریک نباشد و دلیل بیاورد که این معلم حق او را خورده است. اما معلم برای شنیدن اعتراض شاگرد نمی‌تواند از او بخواهد که اول شایستگی‌اش را ثابت کند. استیون داروال این تفاوت را در مقاله‌ای دربارهٔ دو معنای احترام روشن کرده است. وقتی رفتار کسی را می‌سنجیم، تحسین ما می‌تواند بیشتر یا کمتر شود. وقتی تصمیمی دربارهٔ همان آدم می‌گیریم، حق او از پیش در تصمیم ما وزن دارد. [۱] من می‌توانم به شاهزاده رضا پهلوی اعتماد سیاسی داشته باشم و همسایه‌ام هیچ‌یک از دلیل‌های مرا نپذیرد. ما هر دو سر صندوق یک رأی داریم.

درختی که سایه‌اش مال یک خانه نیست

درختی در کوچهٔ ما سایه انداخته و ریشه‌اش تا حیاط همسایه رفته است. چه کسی حق دارد درباره‌اش تصمیم بگیرد؟ صاحب‌خانه‌ای که دیوارش ترک برداشته حرفی دارد. رفتگری که هر صبح این کوچه را طی می‌کند می‌داند تابستان کجا می‌شود دو دقیقه در سایه نشست. شاید باغبانی بتواند هم دیوار را نجات دهد و هم درخت را. اگر پیش از شنیدن این سه نفر تبر را برداریم، تازه بعد از قطع درخت می‌فهمیم چه چیزهایی را در حساب نیاورده بودیم. پژوهش پاسکوال و همکاران دربارهٔ ارزش‌های طبیعت توضیح می‌دهد که ارزش یک درخت می‌تواند هم در خودِ زندگی آن باشد، هم در فایده‌ای که می‌رساند و هم در رابطه‌ای که مردم یک محله طی سال‌ها با آن پیدا کرده‌اند. در برآورد هزینهٔ تعمیر دیوار، دو مورد از این سه به‌راحتی گم می‌شود. [۲]

کودکی کنار ما ایستاده و می‌بیند با حیوانی زخمی چه می‌کنیم. همان کودک می‌شنود که با رفتگر چطور حرف می‌زنیم و وقتی رفتگر به رفتار خود ما اعتراض کرد، لحنمان چقدر عوض می‌شود. در خانه هم یک روز پدر یا مادر در حق بچه اشتباهی می‌کنند. اگر بتوانند سر سفره بگویند «حق با تو بود»، کودک معنای داشتنِ حق را از کسی یاد می‌گیرد که قدرت دارد به حرفش گوش نکند. باور دینی و سنت خانوادگی هم در همین گفت‌وگوهای کوچک به نسل بعد می‌رسند. بچه خیلی زود می‌فهمد که آیا در خانه می‌تواند دربارهٔ باوری که برای پدرش مقدس است سؤالی واقعی بپرسد. در مدرسه می‌شود این فرصت را ادامه داد. جمع‌بندی دورلاک و همکاران از ۲۱۳ برنامهٔ آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی، با شرکت بیش از ۲۷۰ هزار دانش‌آموز، در مجموع بهبود مهارت‌های اجتماعی و رفتار را در قیاس با دانش‌آموزان گروه‌های دیگر نشان داد. [۳] تمرینی که من برای یک کلاس می‌پسندم ساده است. دو شاگرد که با هم مخالف‌اند، پیش از پاسخ دادن حرف طرف مقابل را چنان بازگو کنند که او بگوید «بله، حرفم همین بود». این تمرین را خود ما بزرگ‌ترها هم لازم داریم.

کسی که مزدش عقب افتاده

وقتی گذران زندگی به امضای یک مدیر بند است، چه آسان می‌شود تعظیم در برابر او را به حساب احترام گذاشت. کارگری را فرض کنید که سه ماه مزد نگرفته است. مدیر وارد جلسه می‌شود و کارگر از جا برمی‌خیزد. از کجا می‌دانیم این حرکت نشانهٔ ارادت است؟ شاید در ذهن او فقط اجارهٔ آخر ماه می‌گذرد. اگر بتواند مزدش را از راهی روشن و قابل پیگیری بخواهد و فردای شکایت هم سرِ کار برود، آن‌وقت سکوت یا اعتراضش معنای دیگری پیدا می‌کند. در «فقر تحمیلی» نوشته‌ام که مقررات سلیقه‌ای چگونه وقت، امکان برنامه‌ریزی و استقلال را از خانواده می‌گیرند. [۴] سهم اقتصاد در بحث احترام برای من همین‌جاست. توان تولید و کسب درآمد به آدم مجال می‌دهد به خواسته‌ای ناعادلانه «نه» بگوید.

از روی جیب کسی نمی‌شود دربارهٔ حرمت نگه‌داشتنش حکم داد. در یک فراتحلیل از ۴۷۱ مطالعه در ۶۰ جامعه، پیوند میان جایگاه اقتصادی‌ـاجتماعی بالاتر و رفتارهایی مانند کمک و همکاری، به‌طور متوسط مثبت اما بسیار کوچک بود. ضریب همبستگی حدود ۰٫۰۷ بود. موضوع آن پژوهش رفتار یاری‌رسانِ افراد بود. با آن عدد نمی‌توان احترام مردم یک کشور را از درآمد ملی‌شان استنتاج کرد. [۵] پرسشی که دربارهٔ ایران می‌شود آزمود این است که چه تعداد از مردم می‌توانند به کارفرما، مدرسه یا اداره اعتراض کنند، جواب بگیرند و با ترسِ از دست دادن معیشت به خانه نروند.

وقتی حکومت دربارهٔ تنِ انسان تصمیم می‌گیرد

چهل‌وهفت سال است که جمهوری اسلامی با جان ایرانی چنان رفتار کرده که گویی حکومت صاحب آن است. هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل در گزارش خود دربارهٔ سرکوب اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» مواردی را مستند کرد که معترض یا رهگذر بر اثر شلیک بخشی یا همهٔ بینایی‌اش را از دست داد. همان گزارش بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه را هم مستند می‌کند. [۶] به‌عنوان جراح تروما، پشت عبارت «از دست دادن بینایی» به صبحِ بعد فکر می‌کنم. یک نفر بیدار می‌شود و باید تازه بفهمد صورت فرزندش را چگونه خواهد دید. حرف من از حرمت شهروند از همین صبح آغاز می‌شود.

در متن قانون هم رد همین نگاه را می‌شود دید. مادهٔ ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی برای زنای مردِ محصن و زنِ محصنه حکم رجم را مقرر می‌کند و مادهٔ ۲۷۸ برای نخستین سرقتِ واجد شرایط حد، قطع چهار انگشت دست راست را پیش‌بینی کرده است. گزارشگر ویژهٔ سازمان ملل این دو حکم را با ذکر مواد قانونی بررسی کرده است. [۷] عفو بین‌الملل در آوریل ۲۰۲۵، هنگام هشدار دربارهٔ سه زندانی دیگر، قطع انگشتان دو برادر در زندان ارومیه در اکتبر ۲۰۲۴ را نیز گزارش کرد. [۸] برای من که خواهان عبور از این حکومت هستم، یک نتیجهٔ روشن دارد. قانون آیندهٔ ایران باید تنِ هر انسان را حتی وقتی متهم یا محکوم است از چنین تعرضی حفظ کند. این تعهد روزی معنا پیدا می‌کند که متهم کسی باشد که خودم از رفتارش به خشم آمده‌ام.

چه کسی از شهروندِ پرسشگر می‌ترسد؟

ایرانیانی که مدرسه و شرکت و بیمارستان اداره می‌کنند، حق دارند بپرسند چرا در نوشتن قانون کشورشان سهم نداشته باشند. در «شهروند» از طراحی یک پیاده‌رو مثال زدم. کسی که با ویلچر از آن می‌گذرد، مغازه‌دار محل و پدر یا مادری که کالسکه‌ای را هل می‌دهد، هر سه همان نقشه را از جای متفاوتی می‌بینند. کار شورا با دعوت کردن این سه نفر تمام نمی‌شود. باید بتوانند در نقشهٔ نهایی ببینند کدام پیشنهادشان پذیرفته شده و اگر نشده، دلیلش چه بوده است. [۹] این همان نگاهی است که در بررسی سیاست، اقتصاد، جامعه، فناوری، محیط‌زیست و قانون به کار می‌برم. نقشهٔ پیاده‌رو به کمک فناوری تهیه می‌شود، اما بودجه‌اش، درخت‌های

مسیرش، حق عبور و رأی شورا هر یک دانشی می‌طلبند که نزد یک نفر جمع نشده است. در ادارهٔ کشور هم همین انتظار را دارم. خطای یک تصمیم را معمولاً همان کسی زودتر می‌بیند که فردا باید با آن زندگی کند.

در پیمایش سال ۲۰۲۳ سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی در ۳۰ کشور عضو، ٦۹ درصد کسانی که احساس می‌کردند در کار دولت صدایی دارند به دولت ملی خود اعتماد داشتند. این رقم میان کسانی که احساس می‌کردند صدایی ندارند ۲۲ درصد بود. [۱۰] این دو عدد اندازهٔ اعتماد در ایران را به ما نمی‌دهد. برای من اهمیتشان در تفاوت تجربه‌ای است که پاسخ‌دهندگان توصیف می‌کنند. در انجمن محل اگر کسی دربارهٔ هزینهٔ رساندن آب بپرسد و جوابش «الان وقت این سؤال‌ها نیست» باشد، دفعهٔ بعد در خانه می‌ماند. شاید همان کسی را از دست داده باشیم که از همه بهتر می‌دانست چرا آب به آخرین کوچه نمی‌رسد.

در «درایت در اسارت جهالت» به شوشتر و دانشی پرداختم که برای تقسیم آب ضرورت داشت. در ساختن آبراه، پسندِ صاحب قدرت نمی‌تواند جای شناخت شیب زمین و مسیر آب را بگیرد. [۱۱] در «در نقد قدرت» همین مشکل را از سمت دربار دیده‌ام. هرگاه نزدیکی به رهبر پاداش کسی باشد که خبر ناخوشایند را حذف می‌کند، سرانجام خود رهبر هم از دانستن آنچه برای تصمیم درست لازم دارد محروم می‌شود. [۱۲] یک راه ساده پیش پای گروه‌های سیاسی امروز ماست. وقتی کسی با تصمیم اکثریت مخالفت مستدل کرد، دلیل او و پاسخ جمع در صورت‌جلسه بماند. اگر شش ماه بعد معلوم شد حق با او بوده، کسی نتواند بگوید هیچ‌کس هشدار نداده بود.

شاهزاده، مشروطه و حق انتخاب

من روی آوردن ایرانیان به ایرانیت را پاسخی به سال‌های سلطهٔ اسلام سیاسی می‌دانم. تاریخ و زبان فارسی به ما امکان می‌دهند دوباره با یکدیگر حرف بزنیم. «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» هم تکلیفی برای خود ماست. اگر با اولین مخالفت گفتارمان به دشنام برسد، بردن نام نیاکان چه چیزی را دربارهٔ ما ثابت می‌کند؟ در «زبان مشترک» نوشته‌ام که برای همزیستی باید از دایرهٔ آشنایان هم‌عقیده بیرون رفت. [۱۳] من شاهزاده رضا پهلوی را کانونی برای گرد آمدن ایرانیان می‌دانم. کسی که کنارش می‌ایستد باید بتواند سهمی از کار بردارد و هر جا لازم دید با او مخالفت کند.

نقد من متوجه آن پادشاهی‌خواهی است که از همین امروز شاه را تعیین می‌کند و وقتی از رأی مردم می‌پرسیم اصل سؤال را توهین می‌شمارد. گاهی در خیال او رضاشاه دومی چکمه به پا می‌کند تا ایرانیان را به زور «آدم» کند. من نمی‌فهمم چطور می‌توان ملتی را دوست داشت و این اندازه توان داوری‌اش را کوچک شمرد. از خود شاهزاده رضا پهلوی هم می‌شود شنید که میان این دو کار فرق می‌گذارد. در گفت‌وگوی ۲۸ ژوئیهٔ ۲۰۲٦ با رویترز، وقتی از احتمال پادشاه شدنش پرسیدند، اولویت امروز خود را رساندن ایرانیان به امکان انتخاب و کمک به اتحاد آنان دانست، هر رأیی که سرانجام بدهند. [۱۴] من از پهلویسمِ عمل‌گرا و آینده‌گرا همین انتظار را دارم. برای پادشاهی دلیل بیاوریم و داوری را به مردم بسپاریم.

ما در تاریخ حقوقی خودمان هم نقطه‌ای برای شروع داریم. اصل ۲٦ متمم قانون اساسی مشروطه می‌گفت «قوای مملکت ناشی از ملت است». همان سند در اصل دوم برای مجتهدان در سنجش قوانین جایگاهی در نظر گرفت. [۱۵] برای من، وفاداری به تجربهٔ مشروطه یعنی بتوانیم هم ارزش آن جملهٔ اول را بشناسیم و هم در قانون اساسی آینده روشن بنویسیم که شهروندان با هر دین و عقیده‌ای در قانون‌گذاری حق برابر دارند. اگر اختیار پادشاه را می‌شود روی کاغذ نوشت، باید راه رسیدگی به خروج از حدود آن اختیار را هم نوشت. آن‌وقت کسی برای پرسیدن از حدود قدرت مجبور نیست وفاداری‌اش را به شخصی اثبات کند.

دو نمونه برای روشن کردن منظورم کافی است. در ژاپن، اصل اول قانون اساسی جایگاه نمادین امپراتور را برخاسته از ارادهٔ مردم می‌داند و اصل چهارم اختیارات او را به اعمال مقرر در قانون اساسی محدود می‌کند و اختیار حکمرانی به او نمی‌دهد. [۱۶] در اسرائیل، مادهٔ چهار قانون پایهٔ کنست برای انتخاب نمایندگان، برابری و مخفی بودن رأی را در کنار دیگر اصول انتخابات مقرر می‌کند. [۱۷] پرسش اول این است که تاج اعتبارش را از کجا می‌گیرد و حد اختیارش کجاست. پرسش دوم این است که همسایهٔ من چگونه می‌تواند بی‌آنکه کارفرما، مأمور یا حتی خانواده‌اش بفهمند به چه کسی رأی داده، تصمیم خودش را بگیرد. قانون اساسی آیندهٔ ایران به هر دو پاسخ نیاز دارد.

اگر نتیجهٔ صندوق دلخواه من نبود

من از پادشاهی مشروطهٔ پارلمانی دفاع می‌کنم و برایش دلیل دارم. هم‌وطن جمهوری‌خواه من هم باید بتواند با همان آزادی مردم را قانع کند. کمیتهٔ حقوق بشر سازمان ملل در تفسیر مادهٔ ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حق رأی دادن به نفع یا علیه پیشنهاد یک همه‌پرسی را توضیح می‌دهد. آزادیِ شکل دادن به نظر، رأیِ مخفی، شمارش قابل نظارت و احترام به نتیجهٔ انتخابات واقعی، به این حق معنا می‌دهند. [۱۸] در مقاله‌ام دربارهٔ آزار جمهوری‌خواهان نوشته‌ام که یک پادشاهی‌خواه می‌تواند اشتباه رقیبش را با دلیل نشان دهد و هم‌زمان جلوی تحقیر او بایستد. [۱۹] اگر او رأی بیشتری آورد، سهم من از مسئولیت ساختن ایران یک ذره کم نمی‌شود. اگر من رأی بیشتری آوردم، از حقوق او یک ذره کم نمی‌شود.

تا آن روز هم کار داریم. یکی در خارج از کشور می‌تواند با نمایندهٔ پارلمانش دربارهٔ ایران حرف بزند. دیگری می‌تواند برای خانواده‌ای داغدار کمک جمع کند و حسابش را هم پس بدهد. پناهنده‌ای که تازه از راه رسیده شاید برای نخستین قرار اداری‌اش فقط به کسی نیاز داشته باشد که کنارش بنشیند و ترجمه کند. شجاعت جمعی از همین اطمینان جان می‌گیرد که اگر گرفتار شدیم، زخمی شدیم یا کسی را از دست دادیم، فردا تنها نمی‌مانیم.

برای منِ جراح تروما، محکِ این حرف یک سؤال ساده است. خانواده‌ای برای پای مصنوعی فرزندش کمک می‌خواهد. نخستین سؤال ما چیست؟ «الان برای ایستادن و راه رفتن چه لازم دارد؟» یا «در کدام تجمع و زیر کدام پرچم ایستاده بود؟» اصلِ بی‌غرضی در نهضت صلیب سرخ و هلال احمر هم اولویت کمک را به شدتِ نیاز پیوند می‌دهد و تبعیض بر پایهٔ عقیدهٔ سیاسی را کنار می‌گذارد. [۲۰] برای من عشق به وطن از حق همین جوان شروع می‌شود که دوباره روی پای خودش بایستد و بعد، حتی با من، آزادانه مخالفت کند.

روزی که هم‌وطنم بگوید «پیمان، من به جمهوری رأی دادم»، می‌خواهم بتوانم در چشمش نگاه کنم و بگویم «خوب کردی که رأیت را دادی. حالا بیا ببینیم برای ایران چه کاری از دستمان برمی‌آید.» احترام به شاهزاده رضا پهلوی برای من با چنین جوابی سازگار است. آن‌که برای بزرگ کردن شاه احتیاج دارد این هم‌وطن را کوچک کند، از همین امروز به من گفته است برای فردای ایران چه در سر دارد.

منابع و یادداشت‌ها

۱. **Darwall, Stephen L. (1977). Two Kinds of Respect. Ethics, 88(1), 36–49. doi:10.1086/292054.**
داروال میان رعایت جایگاه یک شخص در تصمیم‌گیری و ارزشی که برای صفات یا کردار او قائلیم فرق می‌گذارد.

۲. **Pascual, U., Balvanera, P., Anderson, C. B., et al. (2023). Diverse values of nature for sustainability. Nature, 620, 813–823. doi:10.1038/s41586-023-06406-9.**
چارچوب ارزش‌های ذاتی، ابزاری و رابطه‌ایِ طبیعت مبنای تحلیل مثال درخت است.

۳. **Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions. Child Development, 82(1), 405–432. doi:10.1111/j.1467-8624.2010.01564.x.**
مرور ۲۱۳ برنامه با ۲۷۰٬۰۳۴ دانش‌آموز. پیشنهادِ بازگویی حرفِ همکلاسی در متن مقاله از نویسنده است.

۴. **Bakhshayesh, Peyman. Induced Poverty: How ideological power denies people the means to prosper. 20 November 2026, §§1–2, 6.**
در «فقر تحمیلی»، نویسنده رابطهٔ مانع‌تراشی اداری، استقلال اقتصادی و امکان برنامه‌ریزی را بررسی می‌کند.

۵. **Wu, J., Balliet, D., Yuan, M., Li, W., Chen, Y., Jin, S., Luan, S., & Van Lange, P. A. M. (2025). Social class and prosociality: A meta-analytic review. Psychological Bulletin, 151(3), 285–321. doi:10.1037/bul0000469.**
۳٬۳۴۰٬۸۰۶ شرکت‌کننده؛ همبستگی میان طبقهٔ اجتماعی و رفتار جامعه‌یار ۰٫۰۶۵، با فاصلهٔ اطمینان ۹۵ درصد از ۰٫۰۵۵ تا ۰٫۰۷۵.

۶. **UN Human Rights Council. Report of the Independent International Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran. A/HRC/55/67, 2 February 2024, paras 27–29, 34–45.**
بندهای ۲۷ تا ۲۹ به آسیب بینایی، بندهای ۳۴ تا ۴۱ به بازداشت و بندهای ۴۲ تا ۴۵ به شکنجه و بدرفتاری می‌پردازند.

۷. **Rehman, Javaid. Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. Report to the UN General Assembly, A/77/181, 18 July 2022, paras 46–47.**
گزارشگر ویژه به مجازات‌های مقرر در مواد ۲۲۵ و ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی ایران ارجاع می‌دهد.

۸. **Amnesty International. Iran: Authorities must halt gruesome plan to amputate fingers of tortured prisoners within days. 4 April 2025.**
این گزارش میان اجرای حکم دو برادر در سال ۲۰۲۴ و خطر اجرای حکم سه زندانی دیگر در زمان انتشار فرق می‌گذارد.

۹. **بخشایش، پیمان. «شهروند؛ از تجربهٔ جنبش شهروندیسم تا پادشاهی مشروطه و حق انتخاب مردم». ۲ آذر ۱۴۰۵، صص ۳–۵.**
طراحی پیاده‌رو، نقش شناخت ساکنان محله و حق برابر در انتخاب نظام سیاسی.

۱۰. **OECD. (2024). OECD Survey on Drivers of Trust in Public Institutions – 2024 Results: Building Trust in a Complex Policy Environment. OECD Publishing, Paris. doi:10.1787/9a20554b-en.**
پیمایش سال ۲۰۲۳ در ۳۰ کشور عضو؛ مقایسهٔ اعتماد گزارش‌شده در میان پاسخ‌دهندگان بر حسب احساس اثرگذاری در کار دولت.

۱۱. **بخشایش، پیمان. «درایت در اسارت جهالت؛ مروری بر تاریخ ایران از هخامنشیان تا امروز». ۲۹ آبان ۱۴۰۵، بخش «درایتی که در شوشتر می‌توان دید».**
تفاوت میان داشتنِ دانش فنی و داشتنِ اختیار به‌کارگیری آن در تصمیمی که بر مردم اثر می‌گذارد.

۱۲. **بخشایش، پیمان. «در نقد قدرت؛ شهروند، دولت و پادشاه در ایران فردا». ۲ آذر ۱۴۰۵، ص ۹، بخش «چاپلوسی و بازی تاج‌وتخت».**
دسترسی به رهبر، حذف خبر ناخوشایند و مسئولیت نهادها در شنیدن اعتراض.

۱۳. **بخشایش، پیمان. «زبان مشترک؛ از فهم یکدیگر تا ساختن ایران». ویرایش یکپارچهٔ فارسی، ۱ آذر ۱۴۰۵، فصل‌های ۳ و ۴.**
دو فصل دربارهٔ بیرون آمدن از جمع هم‌عقیده‌ها و همزیستی ایرانیان با تجربه‌ها و ترجیحات متفاوت.

۱۴. **Reuters. Reza Pahlavi speaks to Reuters about Iran’s future. 28 July 2026. Interview transcript, 07:17–07:37.**
پاسخ شاهزاده رضا پهلوی به پرسش دربارهٔ پادشاهی پس از همه‌پرسی و توضیح نقش خود در فراهم کردن امکان انتخاب.

۱۵. **متمم قانون اساسی مشروطهٔ ایران، ۱۲۸۶ خورشیدی، اصول دوم و بیست‌وششم. متن فارسی، درگاه داده‌های ایران، دانشگاه سیراکیوز.**
اصل دوم دربارهٔ نظارت مجتهدان است؛ اصل بیست‌وششم منشأ قوای مملکت و نقش قانون اساسی را بیان می‌کند.

۱۶. **Constitution of Japan. Articles 1 and 4(1). Imperial Household Agency, The Emperor: Position and Acts.**
جایگاه نمادین امپراتور، ارادهٔ مردم و حدود وظایف او در امور کشور.

۱۷. **The Knesset. Basic-Law: The Knesset (1958), section 4. English translation incorporating amendments through 24 January 2023, p. 1.**
اصول انتخابات کنست از جمله برابری و رأی مخفی. موضوع این ماده انتخابات پارلمان است.

۱۸. **UN Human Rights Committee. General Comment No. 25 on article 25 of the International Covenant on Civil and Political Rights. CCPR/C/21/Rev.1/Add.7, adopted 12 July 1996, paras 19–20.**
آزادی رأی در همه‌پرسی، نبود فشار بر رأی‌دهنده، محرمانگی رأی، نظارت بر شمارش و احترام به نتیجهٔ انتخابات واقعی.

۱۹. **Bakhshayesh, Peyman. Should Republicans Be Bullied? Monarchists and Republicans in Iran. 10 November 2026.**
دفاع یک پادشاهی‌خواه از حق سخن گفتن رقیب جمهوری‌خواه و پاسخ دادن به اختلاف با دلیل.

۲۰. **International Committee of the Red Cross. Our Fundamental Principles. Section on Impartiality.**
اصل بی‌غرضی در کمک انسانی، نیاز و فوریت را ملاک قرار می‌دهد و تبعیض به دلیل عقیدهٔ سیاسی را کنار می‌گذارد.